

# «سرنگونی خواهی»، امضای ملی اکثریت قاطع ایرانیان

واکنش گسترده اجتماعی به اعدام محمد حسینی و محمدمهدی کرمی، نشانه چیست؟ آیا بهای اعدام برای جمهوری اسلامی بسیار سنگین شده است؟ اگر پاسخ، آری است، این بهای سنگین را چه عاملی رقم زده است؟ در واکنش به صدور حکم اعدام چند زندانی دیگر، حضور فی الفور و گسترده مردم در جلو زندان گوهردشت - موسوم به رجایی شهر - در نیمه شب ۱۹ دی، نشانه چیست؟ آیا با قیام ۱۴۰۱، اعدام و زندان برای جمهوری اسلامی به یک چالش بزرگ و قیمت بود و نبود تبدیل شده است؟ این واکنش‌ها چه رابطی با مرحله جدید قیام ۱۴۰۱ دارند؟ این مرحله چه شاخصه‌هایی دارد؟

همه این پرسش‌ها بر شناخت مرحله جدید قیام پس از سرکوب‌ها و دستگیری‌های گسترده، تأکید می‌کنند. در یک هفته گذشته، دستگاه تبلیغاتی جمهوری اسلامی دنبال جا انداختن «تمام شد، تمام شد» بوده است. برخی هم در فضای مجازی مشغول ترویج تردید و شبیه‌سازی‌ها با قیام‌های قبلی هستند. اما اصل واقعیت چیست؟

## نخست باید به چند اصل توجه داشته باشیم:

۱- اصل تثبیت‌شده: نه تهدید، نه سرکوب، نه زندان، نه ارباب نمی‌توانند جلو ادامه قیام را در انواع تاکتیک‌ها و فراز و فرودهای آن بگیرند. این اصل ثابت از این واقعیت مسلم برآمده است که خواسته سرنگونی جمهوری اسلامی، یک خواسته ملی شده و از قلب و ذهن و ضمیر اکثریت قاطع مردم ایران عبور کرده است. این خواسته ملی هرگز بازگشت‌پذیر نیست. این خواسته سیاسی - اجتماعی از جانب اکثریت مردم ایران و مقابله با آن از جانب حاکمیت ولایت فقیه، صورت مسأله بالفعل و فعال و نقد، در صحنه سیاسی ایران شده است. همه‌چیز از این اصل نشأت می‌گیرد، بر گرد این اصل رخ می‌دهد، صف‌بندی نیروها را تعیین می‌کند، وظایف و مأموریتها را تعریف می‌نماید، اولویتها را هم در جبهه مردم و هم در جبهه حاکمیت مشخص می‌کند، اتخاذ تاکتیک‌ها را در طرفین ترسیم می‌کند؛ و این همه یعنی در ادامه قیام ۱۴۰۱، جنگی تمام‌عیار میان اکثریت مردم ایران و حاکمیت جمهوری اسلامی جریان یافته است. این جنگ تا تعیین تکلیف نهایی هرگز متوقف نخواهد شد.

۲- شعارها در انواع، مدام رایکال‌تر و با هدف‌گیری هر چه بیشتر رأس نظام جریان دارند. شعارها در پیوندهای هر چه بیشتر با ارزش‌های قیام، با زندانیان سیاسی و با شقایق‌های سرخ‌فام و سرفراز محبوب آزادی جریان دارند و یک روز هم متوقف نمی‌شوند.

در همین راستا تجمع‌های شبانه که در فریادها و فراخوانها متبلور شده است، نمودی دیگر از توقف‌ناپذیری قیام است. به فریادهای مشترک در تجمع‌های مستمر شبانه و در ۱۹ دی توجه کنید؛ این‌ها تبلور همان اصل ثابت در محور نخست هستند:

مرگ بر دیکتاتور / مرگ بر خامنه‌ای - لعنت بر خمینی / هر یه نفر کشته شه - هزار نفر پشتشه / مرگ بر حکومت اعدامی / مرگ بر حکومت بچه‌کش / قسم به خون یاران - ایستاده‌ایم تا پایان.

۳- شیشه عمر جمهوری اسلامی = اعدام + زندان است. ۴۴ سال با این دو ستون، نظامی اهریمنی، زن ستیز، ضدایرانی و آدم‌کش را سر پا نگه داشته‌اند. اکنون در ادامه قیام ۱۴۰۱، این شیشه به زیر ضرب سنگین حضور اجتماعی مردم واقع شده است و مردم برای شکستن این شیشه، به هم‌آوردی با حاکمیت روی آورده‌اند. بالاگرفتن خروش علیه دیکتاتوری جمهوری اسلامی پس از جنایت اعدام دو زندانی سیاسی در ۱۷ دی و به دنبال آن، هجوم جمعیت انبوه دادخواه جلو درهای زندان گوهردشت کرج در نیمه شب ۱۹ دی، دو نمود قدرتمند این هم‌آوردی هستند.

۴- مشاهده می‌شود که هم‌آوردی همه‌جانبه در تمامی جبهه‌ها با جمهوری اسلامی، مشغله فکری روزانه و مداوم تداوم‌دهندگان قیام برای سرنگونی دیکتاتوری فاشیستی - مذهبی ملایان شده است. این ادامه قیام در انواع حضورها و اشکال و تاکتیک‌ها هست که روزانه برای حاکمیت آخوندی چالش پشت چالش می‌آفریند. حاصل این ضربه‌ها، شکاف بساگسترده‌تر از قبل در صفوف و ارکان نظام ولایت فقیه ایجاد نموده است. این شکاف، از این پس باز هم شتاب بیشتری خواهد گرفت و به نفع صف مردم و قیام‌آفرینان، انرژی آزاد خواهد کرد.

واقعیت مسلم تثبیت مرزبندی‌ها و منطقه محرمه بین مردم و حاکمیت است. تأکید می‌شود که اصل «سرنگونی خواهی»، امضای ملی اکثریت قاطع ایرانیان شده است. این اصل، پرکشش‌ترین و مداوم‌ترین فعالیت سیاسی و اجتماعی را در هیأت قیام ۱۴۰۱ استمرار خواهد داد.



@tab\_shora



@teh\_shora



@protest\_iran